

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مسئله حرمت دست بند شیشه زنان برایشان اینکه سؤال نمودید که آیا خریدن دست بند زنان که از شیشه درست میکنند و از خارجه وارد میشود جایز است یا نه؟ در جواب آقایان معروض میدارد که اسراف نمودن بصریح قرآن مذموم و حرام است چنانکه در سوره مؤمن فرموده **ان الله لا یهدی من هو مسرف کذاب و دراعراف و یس** میفرماید **بل انتم قوم مسرفون و در مؤمن فرموده كذلك یضل الله من هو مسرف مرتاب** درمآئده میفرماید **ان كثيراً منهم بعد ذلك فی الارض لمسرفون و در زخرف فرموده ان کنتم قوماً مسرفین و در انعام و اعراف میفرماید انه لا یحب المسرفین و در شعراء فرموده ولا تطیعوا امر المسرفین و در انبیاء میفرماید و اهلکنا المسرفین و در مؤمن فرموده و ان المسرفین هم اصحاب النار و در یونس میفرماید كذلك زین**

**للمسرفین** و در ذاریات فرموده **مسومة عند ربك للمسرفین** و در دخان میفرماید **انه كان عالياً من المسرفین** و در یونس فرموده **و انه لمن المسرفین** و مضمون این پانزده آیات شریفه مذمت و حرمت اسراف کردن است زیرا که جزاء آنرا هلاکت و دخول در آتش دوزخ و عدم هدایت و سبب ضلالت و از اوصاف فرعون ملعون قرار داده است پس حرام بودن اسراف در دین اسلام از ضروریات احکام و منکرش کافر است و اسراف عبارتست از ضایع کردن مال بدون نفع در مقابل آن و من غیر فائده بصاحب آن مالی که خرج کرده و معلوم است که صرف نمودن مال بدون نفع و فائده دنیوی و اخروی در مقابل آن مال صرف شده افساد کردن مال است و افساد نمودن مال سفاهت است و شخص سفیه و غیر رشید از تصرف کردن در مال خودش ممنوع و محجور است بصریح آیات شریفه چنانکه در سوره نساء فرموده **ولا تَوْتُوا السفهاء اموالکم التی قد جعل الله لکم قیاماً و ارزقوهم فیها واکسوهم** و مفاد آیه اینست که مال سفیهان را بخودشان ندهید و فقط نفقه و کسوة آنها را از مال آنها بدهید و در همان سوره و در مال ایتام فرموده **فان انستم منهم رشد افادفعوا الیهم اموالهم** و ترجمه آیه اینست که اگر ایتام رشد داشته باشند پس مال ایشان را بآنها بدهید تا آنکه خود ایتام بارشد و عقل و دانائی مشغول کسب و خرید و فروش شوند و در کتاب فقیه در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام در تفسیر این آیه روایت کرده که

ایناس الرشد حفظ مال یعنی مراد از رشد ایتم حفظ نمودن آنهاست مال خودشانرا از تلف و ضایع کردن و در مجمع البیان از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که مراد از رشد عقل است و اصلاح نمودن مال است و در تفسیر علی بن ابراهیم از آنحضرت روایت نموده که وقتیکه شخص دانست که زن و اولاد او سفیه و افساد کننده مال است و در اینصورت جایز نیست بر او دادن مال بر ایشان پس بصریح این آیات شریفه و احادیث صحیحه سفیه عبارت شد از افساد کننده و ضایع نماینده مال و رشید عبارت گردید از حفظ و اصلاح نمودن مال و از همه آیات و روایت مذکوره معلوم شد جواب مسئله زیرا که خریدن دست بند شیشه خارجی که در هر ولایت نام مخصوص دارد و هکذا امثال آنها از بازیجه ها و زینت زنان و اسباب آتش بازیها اسراف و اتلاف مال است و دادن نقود طلا و نقره است به دست اجنبی و خارجی بدون نفع و فائده دنیوی و اخروی در مقابل آن مال و نقود برای آن شخص بیچاره و فلک زده و بجهت آن مرد و زن سفیه و غیر رشید و همچنین بعض لباسهای زود خراب شونده زنان و بعض قماشهای فریب دهنده احمقان که از خارجه وارد میکنند و بعوام و جهال مسلمانان میفروشند و در عوض آن البسه و اقمشه منحوسه نجسه طلا و نقره ایران را از دست اهالی آن اخذ مینمایند و از مملکت اسلامیان بخارجه نقل میکنند و ماه بماه و سال پسال ثروت و قدرت و مکنت اهل ایران و اسلام ناقص و نابود و تلف و ضایع میشود و بر قدرت و قوه و شوکت اجنبیان افزوده

میگردد و اغفلتاه از این نحو نادانی و از این جهالت احمقانی و از این اتلاف و اسراف کردن و ضایع نمودن مال در مقابل این اشیاء زود خراب شونده و در عوض این چیزهای زود شکسته در دست زنان و اطفال و جوانان آرایش کنندگان مثل نسوان و امصیبتاه از این غفلت و جهالت که هم مال میدهند و هم فعل حرام و گناه میکنند و اگر العیاذ بالله اعتقاد بحرام کردن شرع انور ندارند و از خداوند تعالی خوف نمیکند و دیندار و تقوی شعار نیستند و از آیات قرآن و احادیث امامان اعراض کرده اند اقلا دنیا و مال و نقود خودشانرا از اتلاف کردن و ضایع نمودن باید حفظ و حراست نمایند و فضولات را ترك بکنند تا آنکه ثروت و مکت و اسباب قدرت و استقلال خود را نگه دارند و بحرف و خواهش زنان و اطفال و جوانان احمقان خودشان گوش ندهند و با میل آن سفیهان رفتار نکنند و عقل و شعور خودشانرا برکنار نگذارند و در عقل و رشد زنها و بچهها و جوانها نبوده باشند و آخرت که ندارند در صورت مزبوره لا اقل دنیا داشته باشند و مال دار شوند و صاحب قدرت و ثروت بگردند و زندگانی خود را و عرض و ناموس خودشانرا حفظ و حراست نمایند زیرا که حفظ استقلال و احتراز از اضمحلال و حراست عرض و ناموس از زوال موقوف است بر ثروت و قدرت و مال و بدون قوه و مکت در مال استقلال اهالی میرود و مبتلا باضمحلال و اذلال و ضلال میشوند چنانکه شده اند و اگر از پنجاه سال قبل از این و بلکه بیست سال اهل ایران و مسلمانان از این فضولات و از این اسباب و آلات زنانه و بچه گانه

اجتناب میکردند و بآرایش جوانان مثل زنان اعتناء نمیکردند و از اسراف حرام و از افساد و اتلاف اموال خودشان احتراز مینمودند هرگز باین فلاکت و بلکه باین هلاکت واقع نمیشدند پس اولاً تکلیف اسلامی است اجتناب از اسراف و اتلاف مال که حرام است و از خریدن این نحو اشیاء منحوسه خانه خراب کننده و ثروت و مملکت را برباد دهنده اگر مسلمین غیرت دین داشته باشند و با احکام قرآن و احادیث امامان عمل نمایند و ثانیاً از جهت حفظ مال و ثروت خودشان از این اشیاء احمقانه اجتناب بکنند و بدون فائده مال خود را با جنبی و خارجی ندهند و خودشان را ضعیف و دیگری را قوی و با ثروت نکنند و ثالثاً اگر اهل ایران و مسلمانان عاقل و دانا و با شعورند پس ایشان نیز مثل اهل اروپا و سایر همسایگان باشند که از مسلمین پشم و پنبه و غله میخرند و بغیر از اینها چیزی نمیخرند و نقود خود را با اشیاء نفیسه میدهند و از اجناس منحوسه اجتناب میکنند و ابداً بفضولات ایران اعتناء نمیکند و نقود خودشان را حفظ مینمایند و رابعاً تکلیف علماء ملت و هیئت دولت است که اول خود آن علماء و امراء و وزراء از این اشیاء منحوسه و اجناس زودشکسته و خراب شده احتراز و اجتناب فرمایند و از خاندان خودشان دور نمایند و در ثانی بملت و رعیت و براهل مملکت امر فرمایند بر اجتناب و احتراز از اشیاء مذکوره و از چیزهای زود ضایع شده و بر اعراض نمودن از اسراف و افساد و اتلاف مال در مقابل چیزهای بدون فائده زیرا که علماء و امراء هر وقت اولیاء مذهب و ملت میباشند و امورات راجعه بر ثروت و

و قدرت و مذهب عوام در دست با کفایت اولیاء امور است پس باید اولیاء ملت و هیئت دولت حفظ و حراست اموال سفهاء و ضعفاء العقول را نمایند چنانکه خداوند تعالی با اولیاء فرموده **وَلَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ اَمْوَالَكُم** پس نباید اولیاء امور مسلمین از تکلیف اسلامی اعراض نمایند و از واجبات دینی احتراز بکنند و بلکه بآن ذوات محترم واجب است که مردمان را بر تکلیف اسلامی وادار و بلکه اجبار فرمایند و صلاح عمومی را همیشه مقدم بکنند و مردمان را اولاد خود بدانند .

« حررة الاحقر الارومى عرب باغى فى غرة شهر محرم »

سنه ۱۳۴۴